

در باب چیستی تاریخ شفاهی

✖ لیندا شوپس (Linda shopes)

ترجمه: دکتر حسن اکبری بیرق

منبع: historymatters.gmu.edu

نحوه استفاده مورخان از تاریخ شفاهی

مصاحبه‌های تاریخ شفاهی از آنجا که برای یک مورخ منبع دانش و اطلاعات جدیدی از روزگار پیشین بوده، نظرگاه‌های تفسیری نوینی نیز پیش روی او می‌نهند و اجد ارزش فراوانی هستند. جمع‌آوری اطلاعات دست اول درباره زندگی روزمره و ذهنیت قشری موسوم به «مردم عادی» از طریق مصاحبه، که غالباً در منابع سنتی‌تر یافت نمی‌شود، نقش خاصی در غنا بخشیدن به کارهای نسلی از مورخان اجتماعی داشته‌است. همچنین تاریخ شفاهی نقش فعال افرادی را به اثبات می‌رساند که حیاتشان در شرایط بسیار سخت و رقت‌بار سپری شده است.

به گمان من ذکر تنها یک مثال کفایت می‌کند: دو مورخ به نام والتر لیخت [1] و توماس دابلین [2] برای بررسی صنعت‌زدایی در منطقه ذغال‌سنگ آنتراسیت شمال ایالت پنسیلوانیا، تقریباً با نود مرد و زنی که در اواسط قرن بیستم و در زمان تعطیلی معادن منطقه، زندگی طاقت‌فرسایی را پشت سر گذاشته بودند مصاحبه کردند. افت اقتصادی طولانی باعث تحمیل شرایط رقت‌باری بر آنها شده بود. این مصاحبه‌ها با رفتن به زیرپوست چکیده داده‌های آماری و پاسخ‌هایی که گزارش‌های دولتی و اسناد و پیشینه اتحادیه‌ها و کمپانی‌ها در قالب اطلاعات حاصل از سرشماری می‌دادند آکنده از اطلاعات مفید درباره راهکارهای متنوع و عمیقاً اختصاصی و جنسیت‌محوری بودند که افراد برای تحمل این فاجعه به کار می‌بستند؛ مردان برای اشتغال به کار در کارخانه‌های خارج از محدوده خود مسافت‌های طولانی را طی و غالباً نیز در طول هفته در پانسیون‌های شبانه‌روزی اقامت می‌کردند و تنها آخر هفته‌ها پیش همسر و فرزندان‌شان بازمی‌گشتند؛ زنان مراقبت از خانواده را برعهده داشتند و همزمان نیز به جرگه نیروی کار حقوق‌بگیر می‌پیوستند؛ خانواده‌ها به هر مشقتی بود با کمترین توقعات روزگار می‌گذرانند. برخی که تعلق‌خاطر چندانی به منطقه نداشتند باروبنه خود را بسته، درمحل دیگری رحل اقامت افکندند. از این

مصاحبه‌ها مشخص می‌شود که با بیکاری مردان و کاهش اقتدار آنان و اشتغال زنان که جایگاه آنان را تقویت نمود دینامیزم قدرت نیز در خانواده دستخوش تغییراتی شد و انتظارات پدر و مادرها از فرزندان را نیز به‌گونه‌ای شکل داد که مجبور بودند در شرایط اقتصادی جدید، در اندیشه زندگی و درآمدی برای خود باشند. لیخت و دابلین با جمع‌بندی آنچه که از این مصاحبه‌ها دستگیرشان شد، چنین می‌نویسند:

«تاریخ شفاهی مردان و زنان منطقه ذغال‌سنگ آنتراسیت، عموماً تصویر پیچیده و تفسیرناپذیری از بحران اقتصادی پیش روی ما می‌گذارند. فاجعه ازهم‌پاشیدگی و بازسازی کامل خانواده‌ها هیچ‌یک فروپاشی اقتصاد منطقه را به طور مشخص بازتاب نمی‌داد بلکه نابرابری در همه جا به چشم می‌آمد. پیامدهای این نابرابری‌ها برای جوامع، افراد و خانواده‌های مختلف و واکنش آن‌ها به چنین تجربه دردناکی متفاوت بود. چنانچه مورخان حوزه کار و تجارت اخیراً تأکید کرده‌اند، نابرابری توسعه اقتصادی کاپیتالیستی-مثلاً گسترش صنعتی‌شدن به شیوه‌های مختلف و با عواقب و عوارض متفاوت در جوامع و حرفه‌های مختلف- و مصاحبه با کسانی که با بحران‌های بلندمدت اقتصادی در عصر مدرن مواجه شده‌اند حکایت از آن دارد که معنای نابرابری برای درک تجربه این زنان و مردان در دوران معاصر مفهوم بسیار ارزشمندی است» [3].

در یکایک مصاحبه‌ها می‌توان دریافت که تاریخ شفاهی چگونه دیدگاه‌های نوینی از گذشته به روی ما می‌گشاید؛ زیرا صدای راوی در مصاحبه به معنای واقعی کلمه برای تسلط بر روایت ماجرا با صدای مورخ دست‌به‌گریبان می‌شود. راویان با شرح تجارب روزمره‌شان و فهماندن معنای آن تجربه در واقع تاریخ را عریان می‌کنند و انتظار دارند تا بدانیم که آن‌ها در گذشته بازیگران هدفمندی بوده‌اند. حرف زدن درباره زندگی آن‌ها به سادگی در مقوله‌های پیش‌ساخته تحلیلی نمی‌گنجد.

-البته تاریخ شفاهی به‌طور کامل در مقوله تاریخ اجتماعی جای نمی‌گیرد. مصاحبه‌های فراوانی با سیاستمداران و هم‌پالکی‌هایشان، رهبران عرصه تجارت و نخبگان فرهنگی موجود است. این مصاحبه‌ها علاوه بر ثبت دیدگاه‌های صاحبان قدرت، غالباً به «کاسه زیر نیم‌کاسه ماجرا»، ظرایف تصمیم‌گیری، رقابت‌ها و اتحادهای شخصی و زیربنای انگیزه‌های گوناگون اقدامات عمومی که غالباً از اسناد عمومی غایب هستند، می‌رسند.

برخی از پروژه‌های مصاحبه به‌جای تمرکز بر روایت‌های فراگیرتری که

شاخص مورخان اجتماعی است بر موضوعات معینی متمرکز می‌شوند - مانند خاطرات مردم از سیل، شرکت در جنگ، یا دوران حرفه‌ای یک شخصیت مطرح و مشهور. هرچند این مصاحبه‌ها قطعاً بر دامنه دانش ما می‌افزایند، بویژه که رابطه فرد با وقایع مهم اجتماعی را روشن می‌سازند؛ اما نقطه کانونی کوچک آن غالباً برای مورخان و بایگان‌ها ناامیدکننده است.

تاریخ شفاهی علاوه بر دانش و چشم‌اندازهایی که به مورخ می‌دهد از منظر دیگری نیز برای او ارزشمند است. همان‌طور که دیوید تیلین [4] و روی روزنزوئیگ [5] در کتاب «حضور گذشته» [6] به اثبات رسانده‌اند اکثر مردم با ذهنیتی فوق‌العاده شخصی به گذشته خود وارد می‌شوند و آن را همچون ثروت و سرمایه‌ای برای تحکیم هویت و شرح تجاربشان به کار می‌گیرند؛ اما در عین حال می‌بینیم که از عنایت به فهم و درک چیزی غیر از تجارب شخصی خود طفره می‌روند و مدعی‌اند که مطالعه رسمی تاریخ امر «ملال‌آوری» است [7]. تاریخ شفاهی به مورخ راهی را نشان می‌دهد تا این تناقض را حل کند و حتی ممکن است به جهیدن از روی مانعی که آثار تحلیلی مورخ حرفه‌ای را از تلاش‌های عادی و محدود تاریخ‌سازی جدا می‌سازد کمک نماید؛ زیرا مصاحبه‌های تاریخ شفاهی غالباً داستان‌های خیلی خوبی هستند و ویژگی خاص گزارش‌های عمیقاً شخصی و غالباً شورانگیز و تکان‌دهنده آنها از تجارب فردی موجب جذب شنونده و خواننده می‌شود و علاقه و همدردی آنها را برمی‌انگیزد. چنانچه با دقت ویرایش و آماده شوند شنونده را به شکلی بی‌خطر و جذاب با بُعد متفاوتی از زندگی آشنا می‌کنند و در صورتی که تیزبینانه و عالمانه در قالب متن ریخته شوند، می‌توانند به خواننده کمک کنند تا تجربه شخصی را نیز به مثابه امری عمیقاً اجتماعی قلمداد نموده و آن را بفهمد.

با این وجود، برخی، البته نه بدون سبب، استدلال کرده‌اند که چشم‌انداز شدیداً فردی و شخصی مصاحبه در تلفیق با تمرکز شاخص مورخ اجتماعی بر زندگی روزمره عموماً به مبالغه در مورد مدخلیت فردی منجر می‌شود و سازوکارهای قدرت سیاسی و فرهنگی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در واقع، جای شگفتی نیست که بسیاری از راویان، خاطرات خود از طرز مواجهه با دشواری‌های زندگی از طریق تلاش‌های فردی و سخت‌کوشی را با غرور و سربلندی به یاد می‌آورند و نمی‌شنویم که مستقیماً با آن شرایط سخت روبه‌رو شده باشند؛ و باید متذکر شویم که راویان به طور معمول یک گروه خودانگیخته هستند؛ گویاترین و خوداتکاترین اعضای هر گروهی یعنی بازماندگان واقعی و خوش‌فکر، دقیقاً کسانی

هستند که به مصاحبه تن می‌دهند و تلویحاً موجب پیشداوری می‌شوند. با این اوصاف، آنگاه که افراد از قدرت مانور خود با شدت و ضعف در حوزه استقلال عمل یا انطباق، ریسک، محاسبه یا ترس در بستر شرایط زندگی خود سخن می‌گویند، تاریخ شفاهی به پیچیده شدن تصورات ساده‌انگارانه درباره قدرت نیروهای مسلط سیاسی یا فرهنگی برای کنترل اندیشه و عمل، منجر می‌شود.

تفسیر تاریخ شفاهی

مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، به رغم ارزش بی‌مانندشان، فارغ از دردر هم نیستند. گرچه راویان از سوی خود سخن می‌گویند اما گفته‌های آنان چنین خصوصیتی ندارد. طرفه اینجاست که تاریخ شفاهی به خاطر عینیت و بی‌واسطگی‌اش ما را دچار اشتباه می‌کند؛ رویکردی که مورخی به نام مایکل فریش [8] از آن به «ضد تاریخ» یاد کرده است؛ یعنی توجه به تاریخ شفاهی به خاطر بی‌واسطگی و القاعات هیجانی‌اش، به مثابه چیزی فراتر از تفسیر یا پاسخگویی، همچون پنجره‌ای که مستقیماً رو به احساسات و ... رو به معنای تجارب گذشته باز می‌شود [9]. مورخان باید در حین استفاده از مصاحبه‌ها مانند هر منبع دیگری با دیدی انتقادی به آن‌ها بنگرند؛ به صرف اینکه کسی ماجرای را با آب و تاب و به شکل و شمایلی قانع‌کننده بیان کرده و مدعی صحت آن شود، نباید در بست آن را پذیرفت. به صرف اینکه کسی در صحنه وقوع واقعه‌ای «حاضر» بوده نباید چنین نتیجه‌گیری شود که «اصل واقعه» را کاملاً درک کرده است.

بررسی اعتبار و وثاقت راوی و اثبات پذیری گزارش او نخستین گام در سنجش و ارزیابی یک مصاحبه است. در ارزشیابی راوی به‌مثابه منبع تاریخی باید به مواردی از این قبیل توجه نمود: نسبت او با وقایع مورد نظر، سهم شخصی‌اش در بیان روایت خاصی از وقایع، سلامت یا عدم سلامت جسمی و روحی او در هنگام وقوع واقعه و در حین مصاحبه، همچنین توجه کامل و دقتی که به مصاحبه می‌کند و انسجام درونی گزارش او. می‌توان گفته‌های راوی در یک مصاحبه را با مصاحبه‌های دیگری که به همین موضوع پرداخته‌اند و مدارک مستند مرتبط با آن موضوع مقایسه نمود و بدین ترتیب گفته‌های او را راستی‌آزمایی کرد. چنانچه مصاحبه با سایر مدارک همخوانی داشته و به نحوی منطقی و معقول به اعتبار آن مدارک می‌افزاید یا آنها را تکمیل می‌نماید می‌توان صحت گزارش را پذیرفت؛ اما در صورتی که با مدارک و شواهد دیگر تناقض داشته یا جفت و جور نمی‌شود، مورخ باید ریشه این پراکنده‌گویی‌ها را پیدا کند؛ آیا مصاحبه‌شوندگان مختلف در هنگام

وقوع رویدادهای مورد بحث در موقعیت‌های مختلفی قرار داشته‌اند؟ آیا علل خاصی وجود دارد که باعث شده است آنها روایت‌های متفاوتی از یک واقعه نقل کنند؟ آیا احتمال دارد که منابع مکتوب با غرضوری نوشته شده یا به نحوی با محدودیت مواجه بوده باشند. آیا ممکن است وقایع میانجی مانند تغییرات ایدئولوژیکی در فاصله زمانی وقوع رویدادها تا زمان مصاحبه یا گزارش‌های فرهنگی مردمی از وقایع مورد بحث بر خاطرات مصاحبه‌شوندگان تأثیر گذاشته باشند؟ روزنامه‌نگاری به نام کالوین تریلین که در سال 1977 درباره تأیید صلاحیت گریفین بیل برای تصدی منصب دادستانی کل آمریکا تحلیل می‌نوشت کنایه یک وکیل سیاه‌پوست را نقل کرد که گفته بود اگر همه سیاستمداران سفیدپوستی که می‌گویند در پشت صحنه مشغول تلاش برای اجرای عدالت نژادی هستند واقعا در کلام و عملشان صداقت داشتند، «پشت صحنه خیلی شلوغ می‌شد». به همین شکل، ترور جان اف کندی نه تنها دیدگاه‌های بعدی آمریکائیان درباره او را متحول ساخت بلکه حتی بر یادآوری تصورات قبلی آنها نیز تأثیر نهاد و خاطراتشان را دچار تغییراتی کرد. با وجود این که کندی با حدود 7/49 درصد آرا در پاییز سال 1960 به ریاست‌جمهوری آمریکا انتخاب شد تقریباً دوسوم آمریکائیان بعد از ترور او وقتی از رأی به نامزد مورد نظرشان سؤال می‌شد می‌گفتند که به کندی رأی داده بوده‌اند [10].

درواقع، تناقضات و عدم انسجام میان مصاحبه با افراد و همین اشکالات بین مصاحبه‌ها و دیگر شواهد و مدارک، همگی حاکی از ماهیت ذاتاً ذهنی تاریخ شفاهی هستند. تاریخ شفاهی صرفاً منبع دیگری نیست که مانند دیگر منابع تاریخی بتوان آن را بدون دردسر و مشکل مورد ارزیابی قرارداد، زیرا در این صورت دومین مغالطه‌ای که فریش موفق به کشف آن شده است اثبات می‌شود؛ یعنی رویکرد «تاریخ بیشتر» به تاریخ شفاهی که مصاحبه را «مواد خام» تلقی می‌کند و «آن را تا سطح شواهد و مدارک دیگری که باید درون آسیاب نظارتی مورخ انداخته شود، پایین می‌آورد.» [11] مصاحبه بیشک یک عمل یادآورانه است و درحالی‌که خاطرات فردی ممکن است کم‌وبیش دقیق، کامل یا صحیح باشند، اما مصاحبه‌ها اگر نگوئیم آغشته به دروغ محض هستند اما اطلاعات غیردقیق و غلطی را نیز در آنها می‌توان یافت. راویان غالباً در یادآوری اسامی و تاریخ‌ها دچار اشتباه می‌شوند؛ وقایع جسته و گریخته را در قالب یک واقعه واحد میریزند و حکایاتی را که اصالتشان محل تردید است بازگو می‌کنند. هرچند مورخان تاریخ شفاهی می‌کوشند تا با مطالعه دقیق پیشینه و طرح پرسش‌های آگاهانه از راوی، داستان را بی‌عیب و نقص بازسازی کنند، درنهایتاً آن‌چنان که

به بستر اصلی و بزرگ فعل یادآوری افراد یا چیزی که بدان می‌توان خاطره اجتماعی گفت توجه دارند به نوسان‌های خاطرات فردی توجه نمی‌کنند. آلساندرو پورتلی در مقاله‌ای که شاید بیش از دیگر مقالات تاریخ شفاهی مورد استناد واقع شده در تحلیلی هوشمندانه و حیرتانگیز چرایی تناقض در ذکر تاریخ، مکان و علت مرگ لوئیجی تراستولی، کارگر یکی از کارخانه‌های فولاد ایتالیا را بیان می‌کند. در گزارش‌های شفاهی متعدد از مرگ این مرد ایتالیایی که در سال 1949 و در جریان اعتراضات کارگری به پیمان ناتو به قتل رسید تاریخ، مکان و علل متفاوتی بازگو شده است. واقعیات مرگ تراستولی در روایات راویان دستکاری و تحریف شد تا به زعم آن‌ها برایشان قابل درک و قابل هضم بشود؛ یا به قول پورتلی، «اشتباهات، چیزهای من درآوری، افسانه‌بافی و از این قبیل به ما کمک می‌کنند تا از پوسته ظاهری حقایق عبور نموده و معانی آن‌ها دست یابیم» [12].

پس لازم است به این درک برسیم که تاریخ شفاهی صرفاً تمرینی برای کشف حقیقت نیست بلکه یک واقعه تفسیری است زیرا راوی خاطرات چند سال و دهه را در چند ساعت فشرده می‌کند و آگاهانه و ناآگاهانه آنچه را که باید بگوید و نحوه بیان آن را انتخاب می‌نماید. تعداد منابع و آثاری که درباره پیچیدگی‌های تفسیری مصاحبه‌های تاریخ شفاهی تولید شده‌اند رو به افزایش است که در بخش کتاب‌شناسی این مقاله به برخی از آن‌ها اشاره شده است. در این آثار راهکارهای کشف معنای تاریخ شفاهی به وفور بیان شده‌اند. در اکثر این آثار گزاره‌ای بدین مضمون تکرار شده که مصاحبه در واقع گزارش داستان گونه‌ای از گذشته‌ای است که در زمان حال بازگو می‌شود، به عبارتی فعل یادآوری که تاریخ مورد روایت و مقطع زمانی یا لحظه روایت در شکل‌گیری آن مؤثراند. هر مصاحبه واکنشی است به یک شخص و مجموعه سؤالات خاص و همچنین به نیاز درونی راوی به درک معنای تجربه‌اش. چیزی که بیان می‌شود منبعت از عادات زبان‌شناختی و مفروضات فرهنگی راوی است و از این رو تبلور هویت، خودآگاهی و فرهنگ است. به زبان ساده باید پرسیم که چه کسی چه چیزی را به چه منظوری و تحت چه شرایطی به چه کسی می‌گوید. هرچند نمی‌توان این سؤالات را هنگامی که در مصاحبه‌ای معین به کار می‌روند به طور مجزا بررسی نمود اما در اینجا آن‌ها را تکتک مورد بررسی قرار می‌دهیم تا نمایی کلی از موضوعات و سؤالات مطروحه در مصاحبه به شما ارائه داده باشیم.

چه کسی سخن می‌گوید؟

کلام راوی و نحوه بیان او ربط وثیقی با هویت اجتماعی او دارند.

کیستی راوی در این مقوله تبدیل به یک فیلتر معرفتی برای تجارب او می‌شود. مورخان فمینیست با تشخیص تفاوت‌های تجارب اجتماعی مردان و زنان بدین نکته اشاره کرده‌اند که زنان بیش از مردان در شرح زندگی‌نامه‌هایشان به وقایع مهم و برجسته دوران زندگی اهمیت می‌دهند مثلاً بین واقعه دیدارهای قبل از ازدواج با همسرانشان و زمان تولد فرزندانیشان رابطه برقرار می‌کنند. از طرف دیگر، مردان عموماً مایل‌اند وقایع‌نگاری‌های شخصی خود را به وقایع عمومی مانند جنگ، انتخابات و اعتصابات پیوند بزنند. چنانچه گوین اِتر لوئیس گفته است، روایات زنان آکنده از احساس «شکسته‌نفسی، اجتناب از منظر اول شخص مفرد، ذکر موفقیت‌های شخصی در حد کم و اشارات پنهان و زیرکانه به قدرت شخصی است».[13] هویت نژادی نیز در گزارش‌های تاریخ شفاهی نقش مؤثری را ایفا می‌کند. اسکات الزورث در مطلبی که درباره شورش‌های نژادی سال 1921 در تولسا نوشته بود عبارت «تبعیض نژادی خاطره» را وضع می‌کند تا تفاوت نحوه یادآوری این واقعه دهشتناک در بیان سفیدپوستان و سیاه‌پوستان را به شکل مشخص توصیف نماید[14]. این یک الگوی شاخص است که از اختلافات نژادی عمیق در آمریکا حکایت می‌کند. سفیدپوستان در مصاحبه‌ها یا اصلاً چیزی درباره اعضای گروه‌های اقلیت به یاد نمی‌آوردند و یا می‌گفتند که ما باهم کنار می‌آمدیم، اما اقلیت‌ها دیدگاه‌های متنوع‌تر و غیر خوش‌بینانه‌تری درباره سفیدپوستان ابراز می‌کردند. مصاحبه با سیاستمداران و شخصیت‌های سرشناس مشکلات خاصی دارد. هرچند نگرانی آن‌ها درباره حیثیت و آبرویشان از دیگران بیشتر نیست، اما تسلط آنان بر سخن و توانایی منحرف کردن پرسش‌ها در بیشتر موارد به ارائه روایت‌هایی سطحی و نجسب منجر می‌شود. قاعده عمومی این است که هرچه مدت‌زمان بیشتری از دوری شخصیت موردنظر از انظار عمومی گذشته باشد پاسخ‌های صادقانه‌تر و خردمندانه‌تری به پرسش‌های مصاحبه‌گر خواهد داد.

از سبک و شیوه‌هایی که «افراد» مختلف برای نقل روایت خود در زمینه تاریخ شفاهی بهره می‌برند، می‌توان فهرست بلندبالایی تهیه کرد. با این وجود، هویت‌ها به هیچ‌وجه واحد و ثابت نیستند. این‌که دقیقاً «چه کسی» در حال سخن گفتن است را رابطه راوی با وقایع موردبحث و فاصله زمانی‌اش از آن وقایع تعیین می‌نماید. بدین ترتیب دور از انتظار نیست که کارفرما و کارگران هر یک روایت متفاوتی از اعتصاب را بیان و یا ثبت کنند، اما اعضای یک اتحادیه کارگری نیز بسته به سود و زیانشان بعد از اعتصاب، تفاوت دیدگاه‌های سیاسی و احترامشان به مرجع قدرت، یا تفاوت سطح تحملشان در برابر بی‌نظمی‌های ناشی از اعتصاب می‌توانند با یکدیگر متفاوت باشند. با انبساط یا انقباض

دورنمای فکری، کسب تجربه‌های جدید که انسان را وادار به تجدیدنظر در دیدگاه‌هایش می‌کند و بسترهای کنونی که درک انسان از وقایع گذشته را شکل می‌دهد دیدگاه‌های آنان نیز در طول زمان دستخوش تغییر می‌شود. همه اینها اجزای «چه کسی حرف می‌زند» است.

Walter Licht [1]

Thomas Dublin [2]

Thomas Dublin and Walter Licht, "Gender and Economic [3]
Decline: The Pennsylvania Anthracite Region, 1920-1970, Oral
.History Review 27 (Winter/Spring 2000): 97

David Thelen [4]

Roy Rosenzweig [5]

The Presence of the Past [6]

Roy Rosenzweig and David Thelen, The Presence of the- [7]
Past: Popular Uses of History in American Life (New York:
(Columbia University Press, 1988

Michael Frisch [8]

Michael Frisch, A Shared Authority: Essays on the Craft [9]
and Meaning of Oral and Public History (Albany: State
University of New York Press, 1990), 159-160

Calvin Trillin, "Remembrance of Moderates Past,» New [10]
Yorker (March 21, 1977): 85; quoted in Cliff Kuhn, "'There's a
Footnote to History!' Memory and the History of Martin Luther
King's October 1960 Arrest and Its Aftermath, Journal of
American History 84:2 (September 1997): 594; Godfrey Hodgson,
.America In Our Time (New York: Random House, 1976): 5

.Frisch, 159-160 [11]

Alessandro Portelli, "The Death of Luigi Trastulli: Memory [12]
and the Event, in The Death of Luigi Trastulli, pp. 1-26;
.quoted material is from p. 2

Gwen Etter-Lewis, "Black Women's Life Stories: Reclaiming [13] Self in Narrative Texts, in Sherna Berger Gluck and Daphne Patai, eds. *Women's Words: The Feminist Practice of Oral History* (New York: Routledge, Chapman & Hall, 1991), 48; quoted in Joan Sangster, "Telling Our Stories: Feminist Debates and the Use of Oral History, in *The Oral History Reader*, Robert Perks and Alistair Thomson, eds. (London: Routledge, .1988), 89

Scott Ellsworth, *Death in a Promised Land: The Tulsa Race [14] Riot of 1921* Baton Rouge: Louisiana State University Press, .1982